

مطالعه پیکرک‌های زنانه عصر مفرغ شوش از منظر ریخت‌شناسی*

سمیرا نصرافیهانی^۱، علیرضا طاهری^{۲*}

^۱ کارشناس ارشد پژوهش هنر، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.
^۲ استاد دانشکده هنر و معماری، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.
 تاریخ دریافت مقاله: ۹۷/۱/۱۷، تاریخ پذیرش نهایی: ۹۷/۹/۲۵

چکیده

تولیدات کاربردی و هنری ایران در عصر مفرغ توسعه پیدا کرده بود. شوش نیز در این دوره از تحول و توسعه چشم‌گیری برخوردار شده بود. شیوه تندیس‌گری در شوش از حدود نیمه‌ی دوم هزاره سوم ق.م شروع شد. پیکرک‌تراشی شوش شامل پیکرک‌های حیوانی و انسانی است. تعداد پیکرک‌های زنان نسبت به مردان بیشتر است. تندیسک‌های زنانه در اوایل عصر مفرغ متأثر از دوره متأخر (مس و سنگ) بوده و از حالت انتزاعی به سوی واقع‌گرایی تحول پیدا نموده‌اند. ساخت پیکرک‌های زنانه به عنوان نمادهای تولیدمثل، مادرانه و پیشکش‌دارای کاربرد و تنوع ظاهری بیشتری بوده است. هدف از این پژوهش پاسخ دادن به پرسش مطرح شده می‌باشد: سیر تحول پیکرک‌های زنانه در شوش از منظر ریخت‌شناسی چگونه بوده است؟ پیکرک‌ها در ابتدا به صورت ابتدایی و بدوی ساخته شده‌اند و به لحاظ باورها و اعتقادات، اغراق‌هایی در برجسته‌سازی نمادها و نشانه‌های زنانه پیکرک‌های برهنه انجام شده است. تندیسک‌های پوشیده‌ای نیز وجود دارند که با دقت در جزئیات اجزای بدن، صورت، آرایش مو، جواهرات و لباس‌های منقوش همراه با اصول و شناخت اندام انسانی به حالتی واقع‌گرایانه ساخته شده‌اند. این موضوع به اهمیت جایگاه زن در تمدن شوش عصر مفرغ اشاره دارد. پژوهش حاضر به روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از داده‌های کتابخانه‌ای انجام شده است.

واژه‌های کلیدی

پیکرک‌های زنانه، شوش، عصر مفرغ، ریخت‌شناسی.

* مقاله حاضر برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نگارنده اول با عنوان «مطالعه تطبیقی پیکرک‌های انسانی ایران باستان و آسیای میانه در عصر مفرغ بر مبنای ریخت‌شناسی» که به راهنمایی نگارنده دوم ارائه گردیده است.

** نویسنده مسئول: تلفن: ۰۹۱۲۴۴۸۳۵۷۵، شماره: ۰۲۱-۸۸۳۰۲۱۶۹، E-mail: artaheri@arts.usb.ac.ir

مقدمه

عیلام در شوش پرداخته است. اورلی دیمز کتاب «تندیس‌گری و شمایل‌نگاری در ایران پیش از اسلام» ترجمه علی اکبر وحدتی (۱۳۸۸) به نگارش آورده است. پیرامیه در کتاب «شوش شش هزارساله» به ترجمه علی موسوی (۱۳۸۹) به تعدادی از پیکرک‌های شوش اشاره دارد. عزت‌الله نگهبان در کتاب «شوش یا کهن ترین مرکز شهرنشینی جهان» (۱۳۹۰) به قدمت محوطه باستانی شوش پرداخته است. با توجه به پیشینه غنی شوش در فرهنگ و هنر اسطوره‌ای و ساخت تعداد قابل ملاحظه‌ای از تندیسک‌های زنانه، این پرسش مطرح می‌شود: سیر تحول پیکرک‌های زنانه در شوش از منظر ریخت‌شناسی چگونه بوده است؟ پیکرک‌های زنانه در کاربردهای گوناگون، دارای ظرافت همراه با دقت در جزئیات و همچنین با تأکید بر اندام‌های زنانه هستند؛ و از حالت ابتدایی و خلاصه شده به واقع‌گرایی گرایش دارند. هدف از پژوهش حاضر با توجه به ریخت و ظاهر پیکرک‌های زنانه در شوش بررسی روند تحول آن هاست که در این پژوهش سعی شده با توجه به ۱۵ نمونه انتخابی از پیکرک‌ها و دسته‌بندی آن‌ها در سه گروه پیکرک‌های برهنه، پرستشگران، زنان اشرافی و درباری به پاسخ سوال مطروحه رسید. لازم به ذکر است تحقیق به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است.

در عصر برنز برای جوامع انسانی تحولات عظیمی در پی داشت. بشر موفق به بکارگیری مفرغ- آلیاژی از مس و قلع- می‌شود. «بدون تردید پیدایش مفرغ به عنوان فلز آلیاژی که برای اولین بار در این دوره ظهور پیدا کرد از مهم ترین پیشرفت‌های فناورانه عصر مفرغ به شمار می‌آید» (طلایی، ۱۳۸۸، ۴۲). تاریخ تقریبی عصر مفرغ «برنز» ایران حدود ۱۵۰۰ تا ۳۰۰۰ ق.م است. این دوره‌ی فرهنگی به دلیل ساخت و کاربرد فراوان اشیاء مفرغین به این نام خوانده می‌شود (نوری شادمهانی، ۱۳۹۳، ۷۵). در این زمان تولید پیکرک‌ها از شمال غرب ایران به سمت شمال شرق، شرق و جنوب راه می‌یابد. شوش یکی از بزرگترین و پراهمیت ترین مناطقی است که در این عصر با تولید انبوه پیکرک‌های زنان رو بروست. اهمیت ساخت تعداد زیاد پیکرک‌های زنانه شوش در عصر مفرغ را همچون دیگر ادوار پیشین را می‌توان به اندیشه‌های باروری یا برکت خواهی، پرباری، پیشکش برای خدایان، عشق مربوط دانست. این دوره هم زمان با تمدن عیلام می‌باشد که از آغاز دوره عیلامی تا اواسط دوره عیلام میانی (۳۱۰۰-۱۲۵۰/۱۳۰۰ ق.م) است. با توجه به اهمیت تمدن دیرینه و غنی در ایران باستان کتب بسیار و پژوهش‌های فراوانی در این زمینه نوشته شده است: پیر آمیه در کتاب «تاریخ عیلام» به ترجمه شیرین بیانی (۱۳۷۲) به حکومت

موقعیت شوش در عصر مفرغ

شده و گاه نقطه چین‌دارشان، زن بودن آن‌ها را می‌توان تشخیص داد (تصویر ۱). اما در برخی موارد جنسیت با دو نوار گلی نشان داده شده است. در این پیکرک‌ها استفاده از گردن بندهای بزرگ متداول بوده و گاه با گلوله‌های گلی که درون سوراخ‌های کوچک روی گردن فشار داده شده، نمایش داده شده‌اند. این پیکرک‌ها همگی ویژگی مشترکی دارند: ساق و پای آن‌ها پایه‌ای را می‌سازد که در قسمت پایین گرد شده است. پیکرک‌های دیگری از شوش یک سینه‌بند ابتدایی هم دارند (دیمز، ۱۳۸۸، ۳۸). در پیکرک‌های زنانه برهنه دوره‌های شیماشکی و سوگل مخ در شوش، بر طرح‌ها و خطوط بدنی و تکامل اجزای صورت تأکید شده است. در دوره‌ی شیماشکی هنوز تجربه اندوزی‌هایی در نمایش خطوط بدن صورت می‌گرفته است. برخی پیکرک‌ها با مشخصه‌های سیاه پوستان ساخته شده است (همان، ۴۰). در دوره‌ی شاهان شیماشکی (۲۱۰۰-۱۹۲۸ ق.م) پیکرک‌ها پر زینت تراند. تندیس‌ی از این دوره یافت شده که با حمایتی بر دوش و خلخال‌هایی در پا، بر پایه‌ای ایستاده و گیسوان بلندش به زیبایی آرایش یافته است (طاهری و طاووسی، ۱۳۸۹، ۵۶) (تصویر ۲). در نیمه اول هزاره دوم ق.م. (دوره حاکمیت سوگل مخ) پیکرک‌های زنان به‌طور فزاینده‌ای واقعی هستند، هنوز مجسمه‌ها برهنه تصویر شده‌اند و دست‌هایشان را زیر سینه‌های خود قرار داده‌اند. ویژگی‌های صورت‌شان با جزئیات اعمال نمی‌شده بلکه در قالب حک شده و جزئیات‌شان با تزئینات بیشتر (به عنوان مثال گردن‌بند) و حتی نوارهای ضربدری بین سینه‌هایشان اضافه شده است (- Goodarzi, 1999, 138).

در زمان فرمانروایان عیلام میانی (۱۴۵۰-۱۱۰۰ پ.م) در ساخت

شوش در دوران اوایل تاریخ یکی از پرجمعیت‌ترین مراکز دشت خوزستان در جنوب ایران بوده است. علاوه بر شهر شوش که مرکز این دشت بوده، وسعت آن به حدود ۸۵ هکتار می‌رسید، مرکز بزرگ دیگری نیز در این دشت وجود داشته که هرکدام حائز اهمیت بوده‌اند و جمعا وسعتی حدود ۳۷۰۰ کیلومتر مربع را در آن دوران در بر می‌گرفته‌اند (نگهبان، ۱۳۹۰، ۱۸). این شهر، با پهنا‌ی حدود ۱۲ کیلومتر مربع در شمال باختری خوزستان در مسیر راه اصلی اهواز-دزفول، در ۳۲ درجه و ۱۲ دقیقه پهنا‌ی شمالی و ۴۸ درجه و ۱۵ دقیقه درازای خاوری نسبت به نیمروز گرینویچ قرار دارد (قدیانی، ۱۳۸۷، ۵۷). دشت شوش از حدود ۸۰۰۰ سال ق.م مسکونی بوده است (محمدیان فر، ۱۳۸۹، ۸). شهر شوش از دوران پیش از تاریخ یعنی از حدود اواخر هزاره پنجم ق.م مرکز تجاری و اقتصادی دشت خوزستان بوده و در دوران عیلام کهن، میانه و نو همین نقش را ایفا کرده و از عظمت خاصی برخوردار بوده است (نگهبان، ۱۳۹۰، ۳۵۶). کار حفاری شوش از اواسط قرن ۱۹ میلادی توسط باستان‌شناسان فرانسوی شروع شد (کرمی، ۱۳۹۱، ۹۹). لایه‌های ۱۳ تا ۱۶ مربوط به دوران تاریخی شوش و عیلام است (نگهبان، ۱۳۹۰، ۱۷۳).

پیکرک‌های برهنه

تولید انبوه پیکرک‌های زنانه برهنه شوش از حدود نیمه دوم هزاره سوم پ.م آغاز شد. در این زمان هنوز پیکرک‌هایی انتزاعی ساخته می‌شد که به دلیل سینه‌های افزوده و مثلث شرمگاهی حکاکی

خصوص نمایش سینه‌ها با دست و تشدید در نمایش ران‌ها شاید دلیل بر آن باشد که این نوع مجسمه‌ها رب‌النوع‌های باروری و حاصلخیزی مانند ایشتار را معرفی کنند (نگهبان، ۱۳۷۲، ۱۷۶) (تصویر ۴).

اغلب سینه‌بند با طرح جناغی نقش شده و گاهی با نوعی زینت آلات و جواهر در جای خود در بین سینه‌ها نگه داشته شده است. زنان گوشواره‌های گرد و درشتی به گوش دارند، و طوقی پوشیده‌اند که گاه تعویذی به شکل یک ستاره در خود دارد. در مرحله‌ی معینی از دوره عیلام میانی، پیکرک‌های زنانه برهنه به سبک اندک متفاوتی طراحی شده‌اند. همگی زنان به سینه‌های خود چنگ زده‌اند، به گونه‌ای که انگشت شصت‌شان خمیده نیست و از دیگر انگشتان آن‌ها جدا شده و به زیر بغل‌شان رسیده است. در این زمان جنسیت با ردیف دواپر افقی نشان داده شده است. در هفت‌تپه و تل ملیان نیز همین شمایل‌نگاری دیده شده است. این نوع پیکرک‌های عیلام میانی شوش، پیوسته تکامل یافتند تا آن‌که به شکل لوحه‌های کاملاً مسطح سفالینی در آمدند که گاه با لگن خاصره بی‌نهایت بزرگی نشان داده شده‌اند. در این سیر تکاملی به سوی اشکال چاق و فربه می‌توان چهار گروه را تشخیص داد: نخست پیکرک‌هایی با سرین‌های کوچک و سینه‌بند تک‌بندی، پدید آمد (دیمز، ۱۳۸۸، ۴۲) (تصویر ۵). این زنان در هر دو مچ دست یک جفت دستبند ساده و در هر پا یک خلخال دارند. گروه دوم نیز شبیه گروه اول است (تصویر ۶) سرین این پیکرک‌ها تا حدی پهن‌تر و سینه‌بند آن‌ها ضربدری است. نرمة گوش برخی پیکرک‌ها بزرگ و سوراخ شده که به آن حلقه فلزی یا گلی آویخته است. بر روی سینه پیکرک یک تعویذ ستاره‌ای شکل دیده می‌شود. نوعی تزیین جواهر یا سنجاق سینه چهارگوش، سینه‌بند را در بین سینه‌ها نگه داشته است. خطوط ممتد روی شکم به دو خط حکاکی‌شده نیم‌دایره‌ای در زیر ناف نشان داده شده است. گروه سوم از پیکرک‌ها سرین و شانه فراخ و باز هم سینه‌بند ضربدری دارند (تصویر ۷). دستار روی پیشانی زیباتر، ظریف‌تر و بلندتر شده و چشمان آن‌ها بادامی شکل است (همان). آخرین گروه از پیکرک‌ها که به دوره عیلام میانه تعلق دارند عموماً معرف الهه‌هایی هستند که به صورت برهنه نشان داده شده‌اند. سینه‌ها و لگن، بزرگ‌تر از حد

پیکرک بر اعضای بدن و اجزای صورت تأکید می‌شده است. پیکرک زنان به شیوه‌ی واقع‌گرایانه‌تری ترکیب‌بندی شده، صورت آن‌ها با جزئیات نشان داده شده است. اکنون می‌توان برجستگی مرکزی را شاهد بود. در دوره‌ی سوگُل مخ می‌توان به وضوح نتیجه‌ی تولید انبوه پیکرک‌های سفالین را مشاهده کرد. اگر برخی استثناها را کنار نهیم، به نظر می‌رسد که تمامی زنان دست‌نشان را به زیر سینه‌های خود نگه داشته‌اند. بخشی از موها در داخل دستاری که در بالای پیشانی قرار دارد به هم متصل شده‌اند. بقیه‌ی موها آویزان است و روی گوش‌ها را پوشانده است. گاهی اوقات چنان به نظر می‌رسد که گویی موها در زیر کلاه ساده‌ای که لبه‌های آن کاملاً در سر محو شده و خود را نشان نمی‌دهد؛ جمع شده است. تقریباً همیشه پلک چشمان، دو تایی به هم فشرده شده است. ناف آن‌ها با یک حفره‌ی مدور که بین یک یا چند شیار زایمان ایجاد شده نشان داده شده است (دیمز، ۱۳۸۸، ۴۱).

در دوره عیلام میانی در شوش نمایش واقع‌گرایانه پیکرک‌های زنانه برهنه بارزتر شده است. زنان با همان مشخصات پیکرک‌های دوره سوگُل مخ ساخته شده و با وجود آنکه همگی آن‌ها به دلیل استفاده از قالب در ساختشان به صورت انبوه تولید شده‌اند، ولی از نمونه‌های دوره سوگُل مخ ظریف‌تر هستند. نمایش جزئیاتی همچون انگشتان، ابروان، زانوان و پاها متداول شده است. دستار روی پیشانی که بخش‌هایی از موهای موج‌دار در زیر آن نشان داده شده با نقوشی به شکل گیس بافته یا خطوط عمودی راستی که بین خطوط مشبکی نقش شده، تزیین یافته است. در جلوی این دستار گاهی بادبزنی شکل، باز هم برجستگی مرکزی دیده می‌شود که در این جا به شکل یک دایره نشان داده شده است (همان) (تصویر ۳).

بعضی از مجسمه‌ها عریان بوده و بعضی دیگر جامه برتن دارند. مجسمه‌هایی که سینه‌های خود را در دست گرفته‌اند عموماً عریان هستند و حالت خاصی را ابراز می‌نمایند پاها تا ناحیه زانو لاغر ساخته شده ولی قسمت‌های ران بسیار چاق‌اند، با وجودی که انگشتان پاها نمایش داده شده ولی در زیر پاها در بعضی از نمونه‌ها چند ردیف لایه که شاید نمایشگر پایه مجسمه باشد مشاهده می‌گردد و تعداد این لایه‌ها در مجسمه‌های مختلف متفاوت است. این نحوه ساختمان به



تصویر ۱، سمت راست - پیکرک زنانه، گلی، دوره اوان، شوش. مأخذ: (طاهری، ۱۳۹۳، ۱۱۳)

تصویر ۲، وسط - پیکره برهنه، شوش، دوره شیماش. مأخذ: (www.pinterest.com)

تصویر ۳، سمت چپ - پیکره برهنه، شوش، عیلام میانی. مأخذ: (دیمز، ۱۳۸۸، ۱۴۵)

این پیکرک‌ها یادآور یک سنت دیرینه هستند که در آن زنان به شکل ویولن یا به شکل ۸ بودند. دیمز از گیرشمن نقل می‌کند که «این پیکرک‌های دوره عیلام میانی شوش، بت‌ها و تمثال‌های الهه باروری، منزات بود که زنان در طول دوران بارداری آن‌ها را نزد خود نگه می‌داشتند تا از بچه متولد نشده آنان حفاظت کند. از آن جا که اغلب این پیکرک‌ها در زمان حفاری به صورت شکسته از کوچه و معابر پیدا شده، گیرشمن مدعی شده است که بعد از تولد نوزاد، این پیکرک‌ها دیگر به کار نمی‌آمده و بنابراین به دور انداخته می‌شده‌اند. پیکرک‌های زنانه برهنه در شوش با دوره عیلام میانی به پایان رسید» (دیمز، ۱۳۸۸، ۴۳). از مقایسه تندیس‌های زنان که تاکنون یافت شده به سادگی می‌توان فهمید که بخش‌های مربوط به زاینده‌گی یعنی سینه‌ها، شکم، لگن و بخش زنانگی مرکز توجه بوده و در دایره‌ای محدود می‌شود (زابلی‌نژاد، ۱۳۸۸، ۳۸).

معمول تصویر شده و دارای گردن‌بند، گوشواره و دستبند هستند و موهایشان آرایشی استادانه دارد. یک آویز در گردن دارد که تا میان سینه‌ها امتداد یافته است (جام تیر و دیگران، ۱۳۸۹، ۳۰) (تصویر ۸). در نتیجه، این پیکرک‌ها زن جوان برهنه‌ای را ایستاده از روبرو در حالی که سینه‌های خود را در میان شست و چهار انگشت دیگر گرفته نشان می‌دهد. این پیکرک‌ها عموماً با تزیینات و آرایش موی پرکار با جزییات نشان داده شده‌اند، حتی در نمونه‌های ملبس نیز این حالت دیده می‌شود. در بالای موی فر و پر چین و شکن، روی پیشانی دستاری ضخیم از قیطان یا گلابتون که روی آن نواری با نقطه‌چین‌های کنده‌شده، در بالای پیشانی قرار گرفته و قسمت بالای آن برجسته و پوشیده است. پیکرک‌های برهنه اغلب با پیرایه‌ها و تزیینات اضافی مانند دستبند (النگو)، خلخال، گردن‌بند، کمربند دور نشیمنگاه، و نواری متقاطع با طرح جناغی که از یک مهره مرکزی میان دو سینه عبور می‌کند نشان داده شده‌اند (آذری، ۱۳۸۱، ۲۴).



تصویر ۴، سمت راست - پیکرک برهنه، شوش. مأخذ: (نگهبان، ۱۳۷۲، ۱۸۵)

تصویر ۵، وسط - پیکره برهنه، شوش، عیلام میانی. مأخذ: (www.pinterest.com)

تصویر ۶، سمت چپ - پیکره برهنه، شوش، عیلام میانی. مأخذ: (www.Louvre.fr)

مطالعات فرهنگی



تصویر ۷، سمت راست - پیکره برهنه، شوش، عیلام میانی. مأخذ: (www.metmuseum.org)

تصویر ۸، سمت چپ - پیکره برهنه، شوش، عیلام میانی. مأخذ: (www.pinterest.com)

پرستشگران

اثر مفرغی دیگر، پیکرک زن نیایشگری با کبوتری در دست است که از اشیای تدفینی یا وقفی مجاور معبد این- شوشینک در شوش بوده و تاریخ آن به اواخر هزاره دوم پیش از میلاد می‌رسد. لباس این پیکرک به ویژه تزیین پولک‌دوزی آن عیلامی است. علاوه بر آن، زن نیایشگر به شیوه عیلامی‌ها حیوانی را (در این مورد پرنده) در برابر سینه گرفته و آن را به عنوان قربانی به پیشگاه یکی از خدایان می‌برد. دامن وی به سبک لباس زنان عیلامی روی زمین کشیده می‌شود و تنها نوک پا از زیر دامن پیداست و در نتیجه انتهای دامن همچون قاعده مخروط، نقش پایه مجسمه را به عهده می‌گیرد. نحوه افتادن دامن که کاملاً طبیعی است اشاره بر جنس نرم و لطیف پارچه آن دارد. در نتیجه به گونه‌ای چشمگیر برجستگی سرین را نشان می‌دهد. گذشته از آن، چین جلو دامن و نیز انحنای رو به بیرون انتهای آن که اشاره بر بلندی بیش از حد و نرمی و لطافت آن دارد، جلوه خاصی را به پیکره بخشیده است (مجیدزاده، ۱۳۷۰، ۸۴-۸۵) (تصویر ۱۱).

زنان اشرافی و درباری

شاید چشمگیرترین یافته از عیلام که تاکنون از شوش به دست آمده پیکره همسر اونتش - نیپریش به نام نیپر - آسو باشد که از مفرغ ریخته شده و بلندی آن به ۱/۲۹ متر می‌رسد. این پیکره از لایه‌های فوقانی اتاقی در معبد نین خورسگ به دست آمده است (پاتس، ۱۳۹۱، ۳۳۸-۳۳۹). مجسمه‌ی برنزی ۱۷۵۰ کیلوگرمی ملکه ناپیرآسو متعلق به حدود هزاره سوم ق.م «عهد طلایی» عیلام نیز نشان‌دهنده اهمیت موفقیت در اجتماع و ارزش اصل مادینه هستی در بنیان‌های تفکر عیلامی است (دادور، ۱۳۸۹، ۱۰۸). این پیکره در میان صد مجسمه مفرغی کشف‌شده شوش، اکنون در موزه‌ی لوور پاریس نگهداری می‌شود. روی دامن مجسمه مفرغی لباس ملکه «ناپیراسو» به زبان انزانی و به خط میخی کتیبه‌ای نقر شده است که برای نخستین بار

از نمونه پیکرک‌های پرستشگر، به پیکرک الهه‌ای که آ. اسپیکت تحت عنوان الهه لاما معرفی نموده و متعلق به دوره سوگل‌مخ‌ها می‌باشد، می‌توان اشاره نمود. «این پیکرک در حالیکه ایستاده دست راستش را به نشانه احترام در جلو سینه آورده و به احتمال قریب به یقین دست چپ آن قرینه دست راستش بوده است - که از بدن جدا شده - و لباسی مطابق چین‌دار بر تن دارد. این اثر از ناحیه پشت صاف می‌باشد؛ دو حفره ایجاد شده بر روی بدن ثابت می‌کند که به وسیله میخ‌هایی بر روی دیوار معبد نصب می‌شده است، این پیکرک توسط د. مکنم در شوش به سال ۱۹۳۳ م. به دست آمده است. از دیگر ویژگی‌های این پیکرک می‌توان به صورت پر گوشت و چشمان بزرگ، کلاهی کوتاه بر روی سر و موهای جمع‌شده در پشت گردن اشاره نمود. این الهه جزء معدود الهه‌هایی است که در معابد دون ژون شوش به دست آمده است» (محمدی‌فر، ۱۳۷۵، ۱۲۹-۱۳۰) (تصویر ۹).

در شوش نیز تعدادی پیکرک پرستشگر زنانه سنگی پیدا شده است. این پیکرک‌ها که بین ۲۸۰۰ تا ۲۶۰۰ پ.م. تاریخ گذاری شده‌اند، یک لباس کوناکس (پوشش پشمی) شاخص سومری پوشیده‌اند که تا روی زانو می‌رسیده است. به نظر می‌رسد که این لباس متشکل از یک تکه پارچه است که از یک طرف به روی شانه‌ها و بازوی چپ انداخته شده و سینه راست را نپوشانده است. موی این پیکرک‌ها به صورت صاف در پشت شانه‌ها فرو ریخته است. در نمونه شناخته شده، دستان خود را در زیر پستان‌های خود قرار داده و شیء نامعلومی را به دست گرفته‌اند (تصویر ۱۰). احتمالاً چشمان این پیکرک‌ها را با ماده دیگری پر کرده‌اند. سر سالم مجسمه‌ای از همین گونه شاهدهی بر این مدعاست. در حدقه چشمان سر مذکور هنوز موادی که شاید قیر باشد باقی مانده که مردمک چشم در آن ثابت می‌شده است (دیمز، ۱۳۸۸، ۴۴).



تصویر ۹، سمت راست - الهه در حال نیایش، اوایل هزاره دوم ق.م. شوش. مأخذ: (www.pinterest.com)

تصویر ۱۰، وسط - پرستشگر مادینه، ۲۸۰۰ ق.م. شوش. مأخذ: (دیمز، ۱۳۸۸، ۱۴۷)

تصویر ۱۱، سمت چپ - زن نیایشگر با کبوتری به دست، اواخر هزاره دوم ق.م. شوش. مفرغ. مأخذ: (www.pinterest.com)

بوسیله «پرشیل» خوانده شد (قدیانی، ۱۳۸۷، ۱۵۸). شکل کلی آن به شکل استوانه است. پایین تنه با دامن زیبایی پوشیده شده به شکل زنگ بلندی با انحنا بسیار ملایم است. نوار پهنی با شرابه‌های بلند، نیمه بالایی دامن را در پشت تزیین کرده و دنباله آن در قسمت جلو با شرابه‌های که به تدریج از بلندی آن‌ها کاسته می‌شود، کشیده شده است. نوار پهن و تزیینی و به احتمال زری دوزی شده‌ای که از کمر آغاز گردیده و تا لبه دامن ادامه می‌یابد، جلوه خاصی به مجسمه می‌بخشد و سرانجام نوار پهن دیگری به لبه پایین دامن دوخته شده که امواج ملایم شرابه‌های آن یکنواختی حاصله از خطوط موازی مستقیم یا شکسته طرح‌های تزیینی لباس را بر هم می‌زند. قسمت‌های ساده لباس را دایره‌های کوچک با نقطه‌ای در میان می‌پوشاند که تزیین پولک‌دوزی یا حتی مروریددوزی را القا می‌کند (مجیدزاده، ۱۳۷۰، ۸۴). تزیین غنی لباس که چین‌دار و گل‌دوزی و زردوزی شده است معرف ذوق عیلامیان در این دوره می‌باشد (آمیبه، ۱۳۷۲، ۵۷). هنوز مناتت و آرایشی که از این پیکر شاهانه ساطع می‌شود بیننده را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به دلیل اینکه سر تندیس از میان رفته است نگاه بیننده مخصوصاً متوجه دست‌های آن و انگشتان بلند و ظریفش می‌شود که برای نیایش برهم قرار گرفته‌اند (هینتس، ۱۳۸۹، ۱۸۸). اندام این پیکره زنانه دوران قدرت زن در جامعه را نشان می‌دهد (قاسمی و قاسمی، ۱۳۸۵، ۱۸) (تصویر ۱۲).

پیکره کوچک یک زن از بدل چینی که معبد الهه پی نی‌کیر اهداشده از چغازنبیل به دست آمده است. این پیکره کوچک با تناسب اندام و ملاحظه و زیبایی نهفته در آن جذاب‌ترین اثر در زمینه مجسمه‌سازی عیلامی است. هیچ حرکت زایدی در این پیکره به چشم نمی‌خورد. پیراهنی که پیکره برتن دارد و حاشیه‌های تزیینی آن، جلوه خاصی به آن می‌بخشد. دایره‌های پراکنده در سطح پیراهن به احتمال پولک‌های فلزی طلایی و نقره‌ای را آرایه می‌کند. این پولک‌ها هنوز هم در لباس‌های عشایر غرب ایران به چشم می‌خورد (مجیدزاده، ۱۳۷۰، ۸۳) (تصویر ۱۵). از تعدد مجسمه‌های گلین زنان که نماینده منشاء طایفه، تکثیر نسل و فراوانی به شمار می‌روند، می‌توان نتیجه گرفت که ساکنان شوش در آن هنگام در مرحله مادرسالاری بوده‌اند (قاسمی و قاسمی، ۱۳۸۵، ۱۸).

پیکره سنگ آهکی نارونته که در شوش یافت شده است احتمالاً یک ظرف مقدس و یک شاخه نخل در دست دارد، لباس بلندپوشین (کاناکه) پوشیده و بر تختی نشست (طاهری و طاووسی، ۱۳۸۹، ۵۶) که دو شیر پشت سر الهه همچون نگهبانان نیزه‌هایی در دست دارند و در کنار در ورودی معبد الهه پاسبانی می‌کنند. بر شانه هر چهار شیر نقش خاصی مانند یک گل روزت به چشم می‌خورد که احتمال نقش مسبک موهای پر پشت و مجعد جانور را آرایه می‌کند. در قسمت جلو پایه پیکره، دو شیر روبه‌روی هم نشسته‌اند و در میان آن‌ها نقش گل روزت ماندنی قرار دارد. این گل شاید یکی از قدیمی‌ترین نمادهای الهه نروندی باشد، اگر این موضوع حقیقت داشته باشد باید بپذیریم که گل‌های روزت روی شانه شیران نیز نشانه الهه نروندی است و



تصویر ۱۲، سمت راست - ملکه ناپیر اسو، شوش، مفرغ. مأخذ: (محمدپناه، ۱۳۸۶، ۴۵) تصویر ۱۳، سمت چپ - الهه نارونته، حدود ۲۲۵۰ ق.م. مأخذ: (آمیبه، ۱۳۸۹، ۸۴)



تصویر ۱۴، سمت راست- مجسمه یک زن، جنس عاج، ابتدای هزاره‌ی دوم ق.م، موزه لوور.
 مأخذ: (www.Louvre.fr)
 تصویر ۱۵، سمت چپ- مجسمه‌ی وقف معبد، قرن ۱۳ ق.م، موزه‌ی لوور پاریس.
 مأخذ: (آمیبه، ۱۳۷۲، ۱۶۳)

جدول ۱- سیر تحول پیکرک‌های زنانه شوش در عصر مفرغ.

	<p>پیکرک‌های برهنه</p>	<p>پیکرک‌های زنانه شوش در عصر مفرغ</p>
	<p>پرستشگران</p>	
	<p>زنان اشرافی و درباری</p>	

نتیجه

می‌رفت و بیشتر اجزای بدن بر روی مجسمه با خطوط ظریف حک می‌شدند. ظرافت، لطافت و تناسب اندام در روند تولید پیکره‌ها دیده می‌شود. چنانکه این پیشرفت و توانایی ساخت را در تندیس‌های زنان اشرافی می‌توان دید. در این دوره مجسمه‌های ملکه‌ها و الهه‌ها با اصول و شناخت اندام انسانی با لباس‌هایی رسمی و مجلل از جنس موادی به جز گِل به شیوه ریخته‌گری یا مستقیم در دوره طلایی عیلام میانی ساخته شده‌اند. در پیکره‌های زنانه عیلام میانی دقت در جزئیات صورت، اجزای بدن، با دستانی که یا به حالت احترام است یا اشاره به برجستگی سینه‌ها دارد همراه با تزیینات، جواهرات و پوشش دیده می‌شود. تمام این موارد گویای فرهنگ و سنت دیرینه شوش در عصر مفرغ بوده است و تأکیدی بر جایگاه زن و مقام او - که در مرتبه والایی از جامعه قرار داشته - بوده است و به نظر می‌رسد که این دشت پهناور در عصر مفرغ در مرحله مدرسالاری قرار داشته است.

در عصر مفرغ تولید پیکره‌های زنانه به اوج هنری خود رسید به نحوی که دوره تکامل از شیوه انتزاعی را به سوی واقع‌گرایی طی کرد. می‌توان بررسی سیر تحول پیکره‌های زنانه را این‌گونه بیان نمود که در اوایل حکومت عیلام پیکره‌هایی از جنس گِل به صورت ابتدایی و آبیستره یافت شده‌اند که تنها به دلیل نقطه‌چین‌های مثلث شرمگاهی و حجم سینه‌های افزوده شده قابل تشخیص هستند. در آغاز دوره عیلام میانه پیکره‌های برهنه با اینکه از حالت انتزاعی دور شده بودند اما بدون اصول آناتومی ساخته می‌شدند به گونه‌ای که تمام اندام‌ها و ضمایم آن‌ها از قبیل: جواهرات، کلاه و مو یا لباس و برجستگی‌های زنانه و مثلث شرمگاهی، با رنگ یا تکه‌ای گِل به پیکره اضافه می‌شدند؛ و این عمل با اغراق و تأکید بر روی جنسیت همراه می‌بود. در پیکره‌های پرستشگران مادینه پوشش‌ها همراه با نشان دادن جزئیات کامل می‌شوند. از اوایل آغاز عیلام تا دوره عیلام میانی ساخت تندیس‌های زنانه در شوش به سوی اشکال واقع‌گرایانه پیش

فهرست منابع

- مجله رشد آموزش تاریخ، شماره ۲۳، صص ۱۳-۱۸.
 قدیانی، عباس (۱۳۸۷)، *شوش بهشت شهرهای عیلام*، چاپ سوم، انتشارات فرهنگ مکتوب، تهران.
 کرمی، ماندانا (۱۳۹۱)، *ایران از پارینه سنگی تا پایان ساسانی (به روایت موزه ملی ایران)*، چاپ اول، انتشارات پایینه، تهران.
 مجیدزاده، یوسف (۱۳۷۰)، *تاریخ و تمدن ایلام*، چاپ اول، انتشارات مرکز نشر دانشگاهی، تهران.
 محمد پناه، بهنام (۱۳۸۶)، *کهن دیار*، چاپ دوم، انتشارات سبزان، تهران.
 محمدی فر، یعقوب (۱۳۷۵)، «پژوهشی نو در سبک و کاربرد پیکره‌های انسانی ایلام از آغاز تا ایلام نو»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، رشته باستان‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.
 محمدیان فر، محمد (۱۳۸۹)، «کهن شهر شوش»، *مجله رشد آموزش تاریخ*، شماره ۴۱، صص ۸-۱۴.
 نگهبان، عزت‌الله (۱۳۷۲)، *حفاری هفت تپه دشت خوزستان*، چاپ اول، انتشارات علمی و فرهنگی سازمان میراث فرهنگی کشور، تهران.
 نگهبان، عزت‌الله (۱۳۹۰)، *شوش یا کهن‌ترین مرکز شهرنشینی جهان*، چاپ اول، انتشارات سبحان نور با همکاری سازمان میراث فرهنگی صنایع دستی و گردشگری کشور، تهران.
 نوری شادمهانی، رضا (۱۳۹۳)، *تاریخ فرهنگ ایران*، چاپ ششم، انتشارات مه‌کامه، تهران.
 هینتس، والتر (۱۳۸۹)، *شهریاری ایلام*، ترجمه پرویز رجبی، چاپ دوم، نشر ماهی، تهران.
 Goodarzi- Tabrizi, Shoki, (1999), "Elamite terracotta figurines in the rosicrucian egyptian museum", Edited by Abbas Alizade, Yousef Majidzadeh, Sadegh Malek Shahmirzadi The Iranian World: *Essays on Iranian Art and Archaeology Presented to Ezat O. Negahban*, Iran University Press, Tehran, pp. 137-145.
 www.Louvre.fr
 www.metmuseum.org
 www.pinterest.com
 آذری، گیتی (۱۳۸۱)، «پیکره‌های سفالین عیلام»، ترجمه سید رسول بروجنی، *مجله باستان‌پژوهی*، زمستان، شماره ۱۰، صص ۲۳-۲۵.
 آمیه، پیر (۱۳۷۲)، *تاریخ عیلام*، ترجمه شیرین بیانی، چاپ دوم، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
 آمیه، پیر (۱۳۸۹)، *شوش شش هزارساله*، مترجم علی موسوی، چاپ اول، نشر فرزاد روز، تهران.
 پاتس، دنیل تی (۱۳۹۱)، *باستان‌شناسی ایلام*، ترجمه زهرا باستی، چاپ چهارم، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، تهران.
 جام تیر، امین و شیرازی، علی اصغر و اکبری، عباس؛ تابستان (۱۳۸۹)، «ویژگی‌های سفالینه‌های پیکره‌ای در ایران پیش از تاریخ»، *فصلنامه نگره*، شماره ۱۵، صص ۲۹-۳۷.
 دادور، ابوالقاسم (۱۳۸۹)، «موقعیت اجتماعی و فرهنگی زن در تمدن ایلام»، *مجله زن در فرهنگ و هنر (پژوهش زنان)*، شماره ۴، دوره اول، صص ۹۵-۱۱۴.
 دیمز، اورلی (۱۳۸۸)، *تندیس‌گری و شمایل‌نگاری در ایران پیش از اسلام*، ترجمه علی اکبر وحدتی، چاپ اول، نشر ماهی، تهران.
 زابلی نژاد، هدی، مرداد (۱۳۸۸)، «پیکره‌های الهه مادر: سیمای زن در آثار پیش از تاریخ ایران»، *کتاب ماه هنر*، شماره ۱۳۱، صص ۳۴-۴۱.
 صراف، محمد رحیم (۱۳۸۴)، *مذهب قوم ایلام (۲۶۰۰-۵۰۰۰ سال پیش)*، چاپ اول، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، تهران.
 طاهری، صدرالدین و طاووسی، محمود (۱۳۸۹)، «تندیس‌های ایزد بانوان باروری ایران»، *مجله مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان*، شماره ۲۴، صص ۴۳-۷۲.
 طاهری، صدرالدین (۱۳۹۳)، *ایزدبانوان در فرهنگ و اساطیر ایران و جهان*، چاپ اول، انتشارات روشنگران و مطالعات زنان، تهران.
 طلایی، حسن (۱۳۸۸)، *عصر مفرغ ایران*، چاپ سوم، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی و دانشگاه‌ها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی، تهران.
 قاسمی، مریم و قاسمی، فاطمه (۱۳۸۵)، «جایگاه زنان در دوره عیلام»،

Study of Women's Statuettes in the Age of Bronze of Susa, at the Point of View of Morphology*

Samira Nasr Esfahani¹, Alireza Taheri^{**2}

¹Graduate Master in Art Research, Faculty of Arts and Architecture, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran.

²Professor, Faculty of Arts and Architecture, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran.

(Received 6 Apr 2018, Accepted 16 Dec 2018)

The Bronze Age was the most important age in the past history this age had main and important position in the ancient Iran. This age was coincided with the Elamite civilization in which had placed from the beginning of the Elamite's age to amidst of the middle Elamite's age three thousand and one hundred to one thousand and two hundred and fifty before Crist. In this age, Susa was the governmental capital of Elamite. This city had main evolution and development in Bronze Age. The Sculpture method had begun in second half of third before Crist in the Susa. Graving sculpture includes animal and human statues and the human statues has been discussed in this research. in the series of human statues, the number of female statues are more than male statues. At the beginning of Bronze Age, The female statues had affected by recent age (Chalcolithic) and had developed from abstract condition to realism. These statues had been built by using mud in the abstraction and metaphorical method. These statues had no head but the status's hands and feet had been referred. Also some nodes had been added to these statues and maliebrity lines had been graved. These female statues as symbol of breeding, motherly, religion and ritual ceremony and token for god has had more usage than male statues. How was the development process of female statues in Susa from the view point of morphology? Because of existence of beliefs and credence, there were ostensive exaggeration in the accentuating female's symbols and signs in the naked statues. The naked statues have been built in two forms of abstract- elementary and the realism. The building process of statues were elementary and formic to humanist statues, had been done very fast. In a collection of the naked statues in which they had exiguity secrecy, the emphases had been done on the nodes, had

been displayed with more exaggeration. The form of status's hands to their breast has been referred to the fertility god. In the next step, the naked statues had changed to the direction of the covert statues which has been built and designed with delicacy and subtlety and has been produced carefully to show the detail of the component of the body, the face, the hair dressing, the jewelry and the graved dress with doctrine and recognition of the human anatomy. Also in collection of covert statues, there are the statues which had been molded and shaped of kings and queens. In these realism statues the propriety of the human anatomy has been regarded the details of the textile of dresses, the types of arrangement of face, the hair dressing has also been built with delicacy and carefully. In all of these statues the way of the respect and the worship and the adoration has been displayed. All statements has been referred to importance of the position, the role of the women in the Bronze Age at the Susa society. This research done in descriptive-analytic method, the library data resources has been used.

Keywords

Female Statuettes, Susa, Bronze Age, Morphology.

* The article is extracted from the first author's master thesis, entitled: "A morphological comparative study of human statuettes found from ancient Iran and Central Asia from the Bronze Age" under supervision of second author.

**Corresponding Author: Tel: (+98-912) 4483575, Fax: (+98-21) 88302169, E-mail: artaheri@arts.usb.ac.ir